

خاطر نباید اساس برنامه های ما را تشکیل دهند این گونه عملیات خصلت عام سیاسی، دیکراتیک و ضد امپریالیستی دارند و تنها در حد مشخص و محدودی مؤثرند.

در مورد عملیات ^{نبرد} تفویضی و عملیات دفاعی از توده ها نیز ذکر چند نکته ضروری بنظر می رسد ضربه زدن به مراکز و عوامل استثمار توده ها، یکی از اهداف عملیات تبلیغ مسلحانه می تواند باشد ولیکن در این مورد باید بسیار دقیق و موشکاف بسوزد ضربه زدن بحوامل استثمار توده ها باید بگونه ای صورت گیرد که توده ها از آن خسارتی نبینند. براین اساس تخریب و وسائل تولید که الزاماً منجر به تعطیل کارخانجات و بیکاری کارگران می شود در میان توده های کارگزار اثر چندانی مثبتی نخواهد داشت، در چنین مواردی ضربه زدن به محصولات تولید شده کسه در اختیار سرمایه دار می باشد و تعلق پاو دارد و یا ضربه زدن به عوامل وایادی

سرمایه داران را الوصف و بهره کشان ظالم و غدار بمراتب اثرات بهتری دارند همچنین ضربه زدن به مأموران اجرائی دولت و آن اداراتی که مستقیماً در مقابل توده ها ایستاده اند، و آنها را آزار می دهند و حقشان را پایمال می کنند می تواند در زمره عملیات نفوذی بسیار مؤثر بحساب آیند. تجربه سازمان ها نشان می دهد که اینگونه عملیات با استقبال وسیع توده ها مواجه شده و در جلب توده ها به جنبش نقش تعیین کننده داشته اند.

عملیات نمونه ای - خلق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در سالهای ۵۳ - ۵۴ بر اساس این اصول طرحریزی شدند به موفقیتهای چشمگیری نایل آمدند و با استقبال وسیع توده ها مواجهه شدند.

سازمان ما در این سالها با اجرای عملیات نمونه ای مشخص که بر اساس خواستها و نیازهای اقشار و طبقات مختلف خلق طرحریزی شده بودند توانست حمایت

وسیع نیروهای خلق را نسبت به اهداف سازمان جلب نماید .

عطیات نمونه ای - خلقی سازمان مسا اینک در مرحله جدید جنبش عطیات توده ای تبدیل شده است ، در آستانه مرحله دوم استراتژیک جنبش مسلحانه امکانات وسیعی را در اختیار مقرر داده است .

اینک توده ها در بسیاری از نقاط کشور با هدفهای خلقی جنبش مسلحانه چه از طریق تأثیر عطیات ، و چه از طریق تأثیرات توانمندی عطیات و فعالیتهای توضیحی ما آشنا شده اند .

ط در رشت ، شاهی ، مشهد ، تبریز و . . . کارگران بسیاری را دیده ایم که علیرغم آنکه حتی یک برگ از اعلامیه های توضیحی ما بدستشان نرسیده بود و با آنکه بطور مداوم از طریق وسائل ارتباطی جمعی تحت تأثیر یک برنامه تبلیغاتی قریب کارانهو تحریف کننده قرار دارند ، با این همه اظهار میداشتند که چریکها بخاطر

منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه میکنند و جانشان را فدای سازند . آنها تنها با شنیدن اخبار عطیات دفاعی ما از توده ها به چنین نتیجه ای رسیده اند . حتی برخی از آنان آرزوی کردند که کاش چریکها بدشمنان مشخص آنها نیز ضربه بزنند پاسخ زورگوئی های آنان را بطریقی با زور بدهند .

همچنین ما در یکی از کارخانجات حوالی

تهران شاهد بوده ایم که چگونه کارگران با آن وضع نابسامان اقتصادی شان برای بدست آوردن تنها یک نسخه از خطابه بیه توضیحی اعدام قانع حاضر بودند . نومان پیردازند و این در شرایطی بود که تعداد قابل ملاحظه ای از این خطابیها در آن کارخانه پخش شده بود . اینک همانطور که رفیق پویان پیش بینی میکرد توده ها بیک منبع قدرت انقلابی که متعلق بخودشان است پی برده اند و در جهت حمایت از آن حرکت خود را آغاز کرده اند حرکتی که هر چند امروزه ناهمگون و آهسته

است، ولی در آینده بحرکتی عظیم و همگون بدل خواهد شد و این وظیفه برعهده ماست، که با برنامه ریزی درست و اصولی خود این حرکت را تسریع کنیم، این وظیفه ایست که هدف استراتژیک مرحله دوم جنبش مسلحانه ایران را مشخص می کند. در این مرحله ما باید بر اساس تأثیرات سازنده تبلیغات مسلحانه نفوذ جنبش را در میان توده ها گسترش بخشیم و در یک کلام "مبارزه مسلحانه را" توده ای کنیم".

پیش از آنکه به این قسمت از سخنان خود پایان دهیم لازمست توضیحاتی روشن کنند در مورد پاره ای نظریاتسی که اخیراً در زیر پوشش تئوری تبلیغ مسلحانه ایران ارائه شده اند بدویم.

اخیراً تحت عنوان ارتقاء تئوری تبلیغ مسلحانه ایران، مسائلی از جانب برخی از جریان های سیاسی عنوان شده اند که با اعتقاد ما نه تنها با تئوری تبلیغ مسلحانه ایران ارتباطی ندارند، بلکه

نظریاتی اگلیتیستی "التقاتی" هستند که می کوشند میان "تئوری تبلیغ مسلحانه ایران" و "تئوری کار آرام سیاسی" تلفیق ایجاد کنند. ما اعتقاد داریم که این نظریات ریشه در ایدئولوژی مبارزین سیاسی طبقه متوسط جامعه ما داشته و از نظرگاه مارکسیستی - لنینیستی جنبش مسلحانه ایران مردود می باشند. ما وظیفه اصولی خود می دانیم که در روشن ساختن جهات نادرست این نظریات تلاش کنیم و امید داریم که این تلاش اصولی ما با برخورد صادقانه و راستین نیروهای جنبش مسلحانه ایران مواجه شود.

اما ببینیم این نظریات چگونه با تئوری تبلیغ مسلحانه ایران برخورد می کنند؟ علیرغم تأییدات خود چگونه می کوشند این تئوری را بی اعتبار کنند. این نظریات تحت عنوان ارتقاء تئوری تبلیغ مسلحانه ایران، در عمل، اصول اساسی این تئوری را مورد شک و نفی قرار می دهند. این نظریات بطور اجمالاً چنین اظهارات (باید در صفحه ۱۲۹)

(بقیه سرقاله از صفحه ۱۸)

می دارند که :

۱ - کار سیاسی - تشکیلاتی در میان

توده ها پیش از تبلیغ مسلحانه امکان پذیر

است ، و اساسا بدون کار سیاسی -

تشکیلاتی در میان توده ها دست زدن به

عملیات تبلیغ مسلحانه نادرست می باشد

۲ - تبلیغ مسلحانه خلعت عام سیاسی

و د مکرانیک داشته و مضمون عملیات تبلیغ

مسلحانه با مضمون مبارزات خود بخودی

توده ها در تضاد است ، و تنبهاروشنگران

فهم و آزاده و کاسیکاران و پیشه وران

در حال افلاس می توانند مضامین سیاسی

پیچیده و خلعت اعتراضی و عصیانگرانه !

این عملیات را درک کنند . و براین اساس

جنبش مسلحانه ایران در مجموع یک حرکت

خرده بورژوازی بوده است .

۳ - حوزه تأثیرات عملیات تبلیغ

مسلحانه ایران اساسا در میان اقشار

مختلف خرده بورژوازی بوده است ، و توده

های وسیع از تأثیرات این عملیات بدور

ماند ماند . با این همه همین که اقشار

مختلف خرده بورژوازی تحت تأثیر عملیات

تبلیغ مسلحانه سیاسی شده و به جنبش

روی آورده اند خود دستاوردی عظیم است

و محت برنامه های جنبش مسلحانه ایران

را توجیه می کند .

۴ - با توجه باینکه مبارزه مسلحانه

باتمام مضامین پیچیده ! و نافهموش

برای توده ها ، امری نهایتا درست است

و بالاخره توده ها از این کانال بایستد

پیروزی خود را بدست آورند ، پس بایستد

سر پلی میان توده ها و جنبش مسلحانه

بوجود آورد . اما آن چیزی که توده ها

را از جنبش جدایی سازد جدائی مضمون

مبارزات ساده اقتصادیشان با مضمون

سیاسی و بسیار بفرنج مبارزه مسلحانه

است .

توده هایی که هنوز در جریان مبارزات

خود بخودیشان رشد نکرده اند و بسطوح

بالائی از آگاهی سیاسی نرسیده اند هرگز

قادرند درک مفاهیم سیاسی جنبش مسلحانه

نخواهد بود ، و این تضاد است که باید توسط تئوریسینهای جنبش مسلحانه حل شود و از طریق حل این تضاد راه تفوز در میان توده ها گشوده شود .

و در ارائه راه حل باین نتیجه می رسند که باید با کار سیاسی تشکیلاتی در میان توده ها سطح آگاهی سیاسی را در توده ها آنقدر بالا آورد تا مثلا بسطح آگاهی روشنفکران فهم برسد آنوقت دیگر تضاد حل می شود و توده هایی که با کار سیاسی از طریق انتشارات تئوریک وسیع آگاهی سیاسی پیدا کرده اند ب راحتی ما فهم پیچیده تبلیغ مسلحانه را خواهند فهمید .

برای پیاده کردن چنین برنامه ای هم راه کار اینست که نشریاتی بوجود آوریم که در آن روزی سخنمان با توده ها باشد ، و به آنها متون کلاسیک مارکسیستی را تدریس کنیم و در یک کلام کلاسهای آموزشی تئوریک را در میان توده های ستمدیده و عقب مانده و بی سازمان ایران توسعه دهیم .

ه — عملیات تبلیغ مسلحانه همچنان میتواند با همان هدفهای عام سیاسی دیکرانیك گاه و بیگاه ادامه یابند و بویژه ضربه زدن به بیگانگان در ایجاد اعتبار برای جنبش و جلب حمایت نیروهای سیاسی داخلی و خارجی بسیار مؤثر است و از اینرو نباید از آن غافل ماند ولی به نتایج این عملیات در میان توده ها نباید امیدوار باشیم . تا موقعیکه آگاهی توده ها را از طریق خاص خود (کار سیاسی آرام در میان توده ها) بالا ببریم و بسطح نیروهای سیاسی آگاه برسانیم و آنوقت است که جنبش مسلحانه برای توده ها قابل فهم و درک خواهد شد و امکان توده ای کردن جنبش مسلحانه فراهم خواهد گردید .

با توجه به مطالب فوق ملاحظه می کنیم که این نظریات براساس مطالبه و درک عمیق ما فهم تئوریک جنبش مسلحانه ایران استوار نبوده و در وادی تئوریهایی گوناگون و متعارض سرگردان می باشند .

در تئوری تبلیغ مسلحانه ایران مسأله‌ای دقیق و علمی نهفته است که بدون توجه به آن هرگز نمی‌توان اساس این تئوری را درک کرد. این مسأله چنین است: در شرایطی که طبقه حاکمه با قدرتی مطلق‌العتنان بر توده‌ها حکم‌بیراند و امکان هیچ‌گونه تشکک و مبارزه‌ای رشدیابنده را به مردم نمی‌دهد، در شرایطی که توده‌ها در حال یأس و سرخوردگی بسر می‌برند و حالت رکود و خمودی بر آنها مستولی شده است، بالاخره در شرایطی که نیروهای پیشگام جامعه در نهایت ضعف سیاسی و تشکیلاتی بسر می‌برند و در میان توده‌ها از نفوذ و اعتباری برخوردار نیستند^{۳۲} مکان کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده‌ها وجود ندارد.*

۱۷ سال تمام از ۲۸ مرداد ۳۲ تا

۱۹ بهمن ۳۴ کار سیاسی تشکیلاتی در

میان توده‌های میهن ما موقوف بود و تمام

تلاشها برای شکستن بن بست مبارزاتی

توده‌ها از طریق شیوه‌های قدیمی

کار سیاسی در میان توده‌ها با شکست و ناکامی مواجه شده بود. اساس تئوری جنبش مسلحانه ایران بمطابق آئیناتئوی مرفی و سازنده برای پایان بخشیدن باین رکود سیاه طولانی که حیات سیاسی توده‌های ما را موقوف ساخته بود ارائه گردید. رساله راهنمای رفیق امیر پرویز پویسان که پایه و اساس تئوری تبلیغ مسلحانه ایران را تشکیل می‌دهد تماماً به بررسی همین مسأله اختصاص یافته است. امروز در شرایطی که جنبش مسلحانه ایران همچون یک مرکز قدرت انقلابی جای خود را در میان توده‌ها گشوده است، طبعاً زمینه‌های مساعدی برای کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده‌ها بوجود آمده است، با اینهمه تازه این آغاز کار است و جنبش مسلحانه باید با مداومت و پیگیری تاکتیکهای خود بیشتر خود را بمردم بشناساند و باد به پیش گرفتن برنامه‌های مردمی، و با شرکت در مبارزات توده‌ها گام بگام باتوده‌ها حرکت کند و رهبری مبارزات توده‌ها را برعهده بگیرد.

امر دیگری که لازمست بر آن تأکید کنیم مضمون توده ای تبلیغات مسلحانه می باشد . تئوری جنبش مسلحانه ایران که از طرف مارکسیست - لنینیستهای خلاق ایرانی ارائه شد ، باین علت تدوین گردید که راه نفوذ سیاسی و تشکیلاتی مارکسیست - لنینیستها را در میان توده ها بشاید ، در اهدافی جنبش مأموران امداد ، سیاسی و دموکراتیک عام اساسی نبوده اند این مسأله را مارکسیست لنینیستهای که سالیان دراز برای رسوخ سیاسی و تشکیلاتی در میان توده ها مبارزه کرده اند خوب درک می کنند .

با این همه باید اذعان کنیم کجاست بدنیال مطرح شدن تئوری جنبش مسلحانه ایران بسیاری از نیروها بسدون راه عمیق این تئوری ظاهرا بسدان روی آوردند و گاه چهره هایی نادرست از اهداف جنبش مسلحانه عرضه داشتند و دست بحملیاتی زدند که مطابق بسا

نیات جنبش مارکسیستی - لنینیستی مسلحانه ایران نبود . باید صریحا بگوئیم که مضمون جنبش مسلحانه کمونیستی ایران درگزر با مضمون مبارزات توده ها در تمارش نبوده است و اساسا هدف اصلی جنبش مسلحانه ایران بسیج توده ها حول محور جنبش مسلحانه وتوده ای کردن جنبش مسلحانه بوده است . جنبش مسلحانه کمونیستی ایران همواره معتقد به شرکت در مبارزات توده ها و پاسخ گوئی بسه نیازهای عینی مبارزات توده ها بسوده است و هم چنین قویا معتقد بوده است که هرگونه کار سیاسی و تشکیلاتی در میان توده ها ، در پیوندی ارگانیک با برنامه های تبلیغ مسلحانه قرار دارد ، و هر نوع تئوریکه منکر این اصل باشد ریشه اپورتونیستی دارد . باید خاطر نشان کنیم که در شرایط خفقان شدید دیکتاتوری مطلق نظامی پلیسی در کشور هائی نظیر ایران هر نوع افشاگری سیاسی " در قالب " تبلیغ

صلحانه" امکان پذیر است.

"افشاگری سیاسی" که در شرایط نیمه د مکراتیک که در جوامع طبقاتی متا سبتترین شیوه کار برای زمینه سازی کارسیاسسی تشکیلاتی در میان توده ها بشمار میروند در شرایط ما که دیکتاتوری مطلقا بر جامعه حکم میراند و هیچگونه امکان د مکراتیک برای مبارزه وجود ندارد جای خود را به تبلیغ صلحانه می دهد . این امر بدیهی است که وظیفه اساسی مارکسیست لنینیست ها همیشه و در همه جا پایه سازی سیاسی در میان توده هاست ولی در شرایط ما تنها با توسل به تاکتیکهای تبلیغ صلحانه است که میتوان باین مهم نا یل آمد .

در سالهای ۱۹۰۰ روسیه که شرایط نیمه د مکراتیک در جامعه روسیه وجود داشت ، رفیق لنین افشاگری سیاسی را تنها راه ایجاد شرایط مناسب برای کار سیاسی - تشکیلاتی در میان توده ها می دانست . در جریان انقلاب چین بهمدد از ۱۹۲۷ روستاها نقاطی بودند که تحت

نفوذ شدید دستگاه حاکمه قرار داشتند و عملا امکان کارسیاسی در میان توده های دهقانی برای کمونیستها وجود داشت . بهمین دلیل نیز کمونیستها سالها با خیال تقریبا آسوده بکارسیاسی در میان توده ها پرداختند . ولی همین صأله در شرایط انقلاب ویتنام رنگ دیگری بخود گرفت بطوریکه کمونیستهای ویتنام در پاره های مواقع تنها با ضربات نظامی بدشمن بود که می توانستند اعتباری در میان توده ها بدست آورند و به پایه سازی سیاسی در میان توده ها بپردازند و تازه این در شرایطی بود که شمال ویتنام آزاد شده بود و منظور ویتنام سوسیالیستی در مقابل توده های ویتنام جنوبی قرار داشت و نیروهای انقلابی بیک مرکز قدرت واقعی متکی بودند ، مرکز قدرتی که در رأس آن رفیق هوشی مین کمونیست کبیر ویتنام قرار داشت . این امر بدان علت بود که فشار بسیار شدیدی دیکتاتوری رژیم ژنرالهای ویتنام جنوبی شرایطی ایجاد کرده بود که کمونیستها

در بسیاری مواقع نمی توانستند توده ها را به نتیجه بخش بودن فعالیت های خود امید وارسازند، بهمین لحاظ نیز امکان پایه سازی سیاسی در میان توده ها را از دست می دادند، و تقریباً شرایطی شبیه کمونیستهای ایرانی که در شرایط دیکتاتوری شاه مبارزه می کنند، پیدامی کردند، در چنین شرایطی استراتژیستهای برجسته حزب کمونیست ویتنام تنها راه چاره را اعطای قهرآمیز تبلیغ مسلحانه بمثابه راهگشای کار سیاسی در میان توده ها، توصیه می کردند و بآن عمل مینمودند البته رفقای ویتنامی هرگز تبلیغ مسلحانه را امری جدا از امر توده ها نمی دانستند و دقیقاً بخاطر بیدار کردن توده ها دست به عملیات مسلحانه میزدند و از این مساعی، در یکی از انتشارات درون سازمانی حزب کمونیست ویتنام بنام تبلیغ مسلحانه مطرح شده است این امر بطورخصوصی از طرف رفقای ویتنامی در اختیار سازمان مقرر گرفته است، ما خواهیم کوشید با کسب اجازه از حزب کمونیست ویتنام ترجمه این اثر را بفارسی منتشر سازیم.

لحاظ تئوریها و عملشان شباهت بسیار زیادی به تئوریها و اعمال راستین جنبش مسلحانه ایران داشته است. باید توجه داشته باشیم که تبلیغ مسلحانه بشکل نام و نظام آن، و با مفهوم دقیق و علمی آن، شکل تبدیل یا فتنه "افشاگری سیاسی" در جامعه مای باشد در جامعه ما افشاگری سیاسی (کار تبلیغی و ترویجی از طریق انتشارات وسیع "جسای خود را به "تبلیغ مسلحانه" می دهد که عبارتست از "عملیات حساب شده و افشاگرانه سیاسی - نظامی در پیوند ارگانیک بسا کار تبلیغی و ترویجی وسیع" در شرایط ما "تبلیغ مسلحانه" پایه ساز هر نوع کسار سیاسی - تشکیلاتی واقعا توده ای می باشد هر نوع کار صنفی و کار سیاسی در میسان توده ها - تنها حول محور تبلیغ مسلحانه و با تکیه بر یک مرکز قدرت انقلابی ممکن و میسر است، و در یک کلام "تبلیغ مسلحانه محور تمام اشکال مبارزاتی خلق، ماست".

در زمینه فعالیتهای تبلیغی و ترویجی و چگونگی آن نیز ما معتقدیم که این فعالیت ها باید متناسب با سطح آگاهی توده های میهن ما بوده و اساساً متکی بر مسایل ملموس توده های باشند، و بیش از یک گام از خواسته ها و مسائل روز مو توده ها فاصله نگیرند. در غیر این صورت فاصله مسایل مطروحه با مسایل توده ها بسیار زیاد شده و فعالیتهای توضیحی ما جنبه روشن فکرانه و جدا از توده ها بخود میگیرد. در شرایط کنونی ما وظیفه پیشگامان انقلابی نفوذ در میان توده ها با اتکا به تاکتیک های تبلیغ مسلحانه می باشد، وظیفه واحد های نفوذی جنبش، شرکت در مبارزات توده ها و ارتقاء درخواستها و شعارهای توده های ما باشد، تنها از این رهگذر است که می توان توده ها را از نظر سیاسی ارتقاء داد، نه با پخش کلاسیکهای مارکسیستی در میان توده ها.

در خاتمه باید اضافه کنیم که خطیست عطیات تبلیغ مسلحانه را نه در شکل و

صورت ظاهری آنها که ممکن است یکسان بنظر برسند، بلکه در ماهیت گونه گون و متفاوت آنها باید جستجو کرد. عطیات مسلحانه در صورتیکه با برداشتی درست و علمی و مبتنی بر تئوری تبلیغ مسلحانه ایران بمورد اجراء آیند خصلتی توده ای داشته، و اگر با درکی آوانتوریستی از مبارزه مسلحانه که این مبارزه را جدا از توده ها می پندارد به مرحله اجراء آیند طبعاً ماهیتی توده ای نداشته و صرفاً بمنظورهای سیاسی عام، و بمنظور تهییج و جلب اقشار، خرده بورژوازی و یا جلب افکار عمومی جهان به جنبش می توانستند موثر واقع شوند.

هرگاه ما اساس برنامه های عطیاتی خود را بشیوه دوم متکی سازیم طبعاً در جلب توده ها به جنبش موفقیتی نخواهیم داشت، و ممکن است نسبت به نتایج عمل خود دچار یأس و سرخوردگی شویم، و در چنین صورتی این امکان نیز وجود دارد که با یک عقب گرد واپس نگرانه بسمت تئوریها

بیفایده کار سیاسی صرف روی بیاوریم	آثار تفوریک جنبش مسلحانه را مورد
همان تفوریاتی که جنبش مسلحانه	مطالعه قرار دهند و بویژه به جزوه
ایران بر خرابه های آن با استحکام کامل	درخشان رفیق شهید "بیژن جزینی"
بناشده است. ما قویا بهمه نیروهای	تحت عنوان "چگونه مبارزه مسلحانه
جنبش مسلحانه توصیه می کنیم که بار دیگر	نود و ای میشود توجهی ویژه مبذول دارند.

* * * * *

جنبش مسلحانه ایران و انقلاب منطقه

امپریالیزم جهانی بسرکردگی آمریکا،	جهان خود داری کرده ، و تمام کوشش
بعد از شکست فضاحت بار در جنگهای	خود را صرف تقویت رژیمهای نظامی محلی
ضد انقلابی آسیای جنوب شرقی و دادن	خواهد نمود . باین ترتیب امپریالیزم در
تلفات سنگین ، به استراتژی جدیدی	هر منطقه از جهان ژاندارمهای منطقه ای
روی آور شده است. این استراتژی جدید	خود را استوار می سازد ، و وظیفه سرکوب
که به استراتژی نیکسون " شهرت یافته ،	انقلابات توده ای را از طریق این ایادی
بر اساس روابط و مناسبات تواستعماری	منطقه ای خود بمورد اجراء در می آورد .
کامل با کشورهای تحت سلطه شالوده	رژیم ایران در منطقه خاورمیانه ، رژیمهای
ریزی شده است. بر طبق این استراتژی	اندونزی و کره جنوبی در شرق آسیا و رژیم
فرینکارانه ، امپریالیزم آمریکا، از ایسن	نظامی فاسد برزیل در آمریکا ، لاتین
پس حتی المقدور از دخالت نظامی مستقیم	نمونه های مشخص این دستکاههای
در جنگهای ضد انقلابی در مناطق مختلف	ژاندارمهای منطقه ای می باشند .

این استراتژی به امپریالیزم انگلیس می‌دهد که با خرج کمتر و تلفات کمتر با پول و ثروت خود خلقهای هر منطقه وسیله سرکوبی خلقهای آن منطقه را فراهم سازد. رژیم ایران هم اکنون مبالغه‌آمیزی از ثروت ملی ایران را به جیب انحصارات نظامی و کارخانجات اسلحه سازی کشور - های غرب می‌ریزد تا بتواند هرچه بهتر نقش خود را بعنوان ژاندارم امپریالیزم در خاورمیانه ایفاء نماید.

نقش رژیم ایران بصورت ژاندارم منطقه اینک در خاورمیانه تثبیت شده است، در حالت پایدار رژیم ایران در جنگهای ضد انقلابی عمان و حضور دائمی ارتش ایران در خاک عمان، نشانه بارز این نقش چهره‌ی رژیم ایران می‌باشد.

اینک رژیم ایران نه تنها به سرکوب توده‌ها در داخل ایران، بلکه به سرکوب جنبش‌های توده‌ای در سراسر منطقه ادامه می‌دهد.

اتحاد نامقدس رژیم ایران با رژیمهای

ارتجاعی عرب بمنظور حفاظت منطقه نفت خیز خاورمیانه برای غارتگران امپریالیزم سیمای دیگری از این رژیم را بنمایش می‌گذارد. همکاری پنهانی رژیم ایران با دولت اسرائیل نقش دیگریست که رژیم ایران در خدمت به امپریالیزم و صهیونیسم برعهده گرفته است. بهمین دلیل است که نیروهای مفرقی و انقلابی منطقه خاورمیانه رژیم شاه را با آن چهره بزنگ کرده‌اش، و با آن رسته‌های دوستانه‌ای که گاه و بیگاه بمنظورهای صرفاً تبلیغاتی در مقابل اعراب بخودی می‌گیرد، بخوبی می‌شناسند و این رژیم را همچون اسب تروای امپریالیزم در قلب منطقه خاورمیانه بشمار می‌آورند. آنها اینک می‌دانند که رژیم ایران در ظاهر با اعراب دوستی می‌ورزد و در باطن با امپریالیزم و صهیونیزم بر علیه اعراب هم‌دستی می‌کند.

نیروهای انقلابی منطقه خاورمیانه با توجه به نقش ژاندارمی رژیم ایران در منطقه، اهمیت بسیار زیادی به جنبشهای

انقلابی خلق ایران می دهند .

علی اکبر صفائی فراهانی ، اینج سپهری ،

فرهاد سپهری و محمدعلی خسروی —

جنبش را انقلابی خلق ایران که امروزه

بارستاخیز میاهگل و سازمانهای انقلابی

مسلح ایران مشخص می گردد ، مسور د

تأیید کامل و حمایت نیروهای انقلابی

منطقه خاورمیانه قرار دارد .

آثار تئوریک جنبش مسلحانه ایران

در میان انقلاب بیون منطقه با اهمیت

ویژه ای مورد توجه قرار گرفته است بطوری

که انقلاب بیون ظفار و فلسطین این آثار

را بنیادهای محلی خود ترجمه کردند و

در کلاسهای آموزش شر سیاسی خود این

آثار را مورد مطالعه قرار می دهند .

هم چنین شرکت رزندگان سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران در جبهه —

های نبرد فلسطین و ظفار و شهادت

این رفقا در جبهه نبرد منطقه ای ، به

همبستگی انقلابی میان جنبش انقلابی

ایران با جنبشهای انقلابی منطقه

خاور میانه بهمدتازه ای بخشیده است .

انقلاب بیون منطقه با چهره هایی ، همچون

اردبیلی بخوبی آشنا هستند و شاه

مبارزات بی امان این رفقا در کنسار

برادران عرب خود در جبهه نبرد برعلیه

امپریالیزم ، صهیونیزم و ارتجاع منطقه

بوده اند .

پیامهای همبستگی سازمانها و

جبهه های آزاد بیخش منطقه که همه

ساله بناسبت رستاخیز میاهگل ، سالروز

آغاز جنبش مسلحانه ایران بسازمان ما

ارسال می شود ، نشانه احترام و علاقه

جنبشهای انقلابی منطقه نسبت به جنبش

انقلابی ایرانست ، جنبشی که نه تنها

متعلق بسازمان ما بلکه متعلق بتمام

گروهها و سازمانهاست که بر اساس

تئوری ظفر نمون تبلیغ مسلحانه ایران نبرد

می کنند .

اینک بیش از هر وقت دیگر شرایط برای

همکاری نزدیکتر جنبشهای انقلابی منطقه

خاور میانه با یکدیگر فراهم شده است

و جنبش انقلابی ایران در این میانه نقش	تلاش خواهیم کرد و در این راه
حماسی بر عهده دارد . ما تا آنجا	همانطور که تا بحال در عمل نشان
که در قدرت داشته باشیم در جهت	داده ایم از بذل جان نیز کوتاهی
همبستگی با نیروهای انقلابی در منطقه	نخواهیم کرد .

” زنده باد رزندگی خلق ایران ”

” برقرار باد اتحاد نیروهای مسلح خلق

ایران در زیر پرچم جنبش مسلحانه ایران

و با اتکا به تئوری طفرنمون تبلیغ مسلحانه

ایران ” .

” برقرار باد اتحاد نیروهای انقلابی

منطقه خاورمیانه ”

” پیشروی نوده ای کردن جنبش مسلحانه

ایران ”

” با ایمان به پیروزی راهمان ”

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران *